

بررسی و تاثیر قومیت بر امنیت ملی و اثر آن بر تجزیه‌طلبی؛ مطالعه موردی در استان خوزستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

کد مقاله: ۱۵۵۸۶

محمد امین ظفری^{*۱}

چکیده

منطقه خوزستان یکی از نقاط استراتژیک در ایران بوده و این منطقه به دلیل ویژگی برتر نسبت به مابقی مناطق مانند؛ وجود ذخایر فراوان خدادادی، مساحت بالا، جمعیت زیاد، اتصال آن به دریا، کشاورزی حاصلخیز و... باعث شده تا چشم طعم بسیاری از کشورها بر این نقطه باشد. بسیاری از کشورهای عربی منطقه و دشمنان ایران اسلامی به دنبال جدا کردن خوزستان از ایران به واسطه گروه‌های تجزیه طلب هستند. گروه‌های تجزیه طلب از همان ابتدای انقلاب اسلامی به دنبال سهم خواهی و جدایی طلبی بوده‌اند. براساس هدف اصلی این پژوهش، بررسی گروه‌های تجزیه طلب ایران به خصوص خوزستان مورد توجه بوده تا به وابسته آگاهی و شناخت کافی از آنها، مانع از ضربه زدن به امنیت ملی ایران شوند. مساله قومی و وجود تجزیه طلبان قومی مانند پان عربیسم، پان ترکیسم، پان کردیسم که همیشه مورد توجه بوده و قومی‌گرایی عربی با توجه به سابقه و اهمیتی که داشته‌اند، مورد توجه بوده و در مقاطعی از تاریخ ادعای برتری قومی، خود مختاری، شورش در مقابل دولت مرکزی، و... را مطرح کرده و به احساس محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و... را بهانه‌ای برای رسیدن به این هدف خود قرار داده‌اند. تاریخ‌شناسان و کالبدشکافی بحث امنیت ملی را در اجتماعات اولیه انسان جست‌وجو کرده که انسان ایجاد سپر امنیتی را یک دغدغه ابتدایی خود قرار داده است. افرادی نیز مانند افلاطون و ارسطو هم در گفتمان سیاسی خود به مسئله امنیت پرداخته‌اند. همچنین نظریه پردازان دیگری مانند جان لاک، روسو، هابز و مونتسکو هم برای امنیت نیز اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. گروه‌های تجزیه طلب ایران به خصوص خوزستان، به واسطه‌ی ارتباطات مختلف با دشمنان جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی صورت گرفته از آنها برای ضربه زدن به ایران با دست گذاشتن بر روی مسائلی مانند؛ تعصب قومی و قبیله‌ای و ایجاد انگیزه برای ورود به مبارزات و تحركات مختلف، منجر به بروز حوادث ناگواری برای ایران شده‌اند. لذا در این تحقیق به بررسی و تاثیر قومیت بر امنیت ملی و اثر آن بر تجزیه طلبی در استان خوزستان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، خوزستان، گروه‌های تجزیه طلب، جدایی طلبی.

تجزیه طلبی از دیر باز در اکثر حکومت‌ها وجود داشته و گروه‌های مخالف دست به تجزیه طلبی و سهم خواهی می‌زنند که این خود موجب ضربه زدن بر امنیت کشورها و عدم ثبات و آرامش در مناطق مختلف یک کشور می‌شود. در ایران نیز مساله تجزیه طلبی وجود داشته، بالاخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و وجود دشمنان متعدد برای جمهوری اسلامی، این مساله شدت بیشتری به خود گرفته و در نواحی مختلف ایران اعم از سیستان و بلوچستان، خوزستان، ترکمن صحرا و ... وجود چنین گروه‌هایی را بیشتر به صورت گروه های قومی مشاهده می‌نماییم. گروه‌های تجزیه طلب در ایران به دنبال تفرقه و ایجاد شکاف در مناطق مختلف هستند تا ایران را تجزیه کرده و با ایجاد رعب و وحشت، انجام عملیات‌های تروریستی، جذب نیرو از افراد بومی، ایجاد تفرقه‌های قومی و قبیله‌ای، تامین مالی افراد منطقه و ایجاد ناامنی برای ساکنین، موجب لطمه زدن به امنیت جمهوری اسلامی ایران شوند. استان خوزستان با جایگاه مشخص استراتژیکی با هویت قومی عربی از جمله مناطقی است که در تاریخ معاصر در تیررس سیاست‌های مداخله‌گرایانه کشورهای غربی و برخی رقبای منطقه‌ای ایران قرار گرفته است. گروه‌های مختلف تکفیری و سلفی به واسطه دلایل مختلفی همچون؛ خسارات برجای‌مانده از جنگ، جوانی جمعیت، بحران بیکاری، فشارهای اقتصادی، تحریم‌های آمریکا، وقوع بحران‌های زیست‌محیطی از جمله خشکسالی، ریزگردها، کاستی فرایند توسعه در برابر حجم مشکلات، مطالبات هویت‌خواهی قومی در این استان و... موجب تشویش اذهان و اغتشاشات متعدد شوند. عملیات جنگ روانی در قالب سوءاستفاده از برخی مشکلات اقتصادی، سیاسی و بهره‌گیری از تعصبات قومی و مذهبی نیز از جمله تاکتیک‌های مهمی بوده که از سوی جریان‌های بیرونی تداوم‌یافته است. در همین راستا مسئله مهمی که در طی سالیان گذشته اتفاق افتاده، تشکیل گروهک‌های تروریستی جهت ناامن سازی محیط استان در عین ایجاد شبکه‌های سیاسی از جمله اقدامات در این راستا بوده است.

گروه‌های تجزیه طلب قومی مانند جبهه التحریر اهواز، سازمان خلق عرب، مجاهدین عرب مسلمان، حرکة النضال العربی التحریر اهواز، حرکت التحریر الوطنی الاهواز، سازمان حقوق بشری اهواز و... در خوزستان وجود داشته و بعضی از آنها قدمتی قبل از انقلاب اسلامی دارند، این گروه‌ها همیشه اپوزیسیون ایران بوده، و همچنین به دنبال تفرقه انگیزی و جدا کردن خوزستان از ایران هستند، مورد اعتماد و اطمینان دشمنان ایران می‌باشند. باعث شده که دشمنان خارجی بروی آنها سرمایه‌گذاری گسترده‌ای نمایند. این گروه‌ها مدعی استقلال خوزستان از ایران و تعلق جزایر سه‌گانه خلیج فارس به «خوزستان» و همچنین «عربی» بودن «خلیج فارس» هستند. پس از اعلام موجودیت این گروه‌ها و جذب افراد مختلف و همسو کردن آنها با خود، شروع به عملیات‌های خرابکارانه‌ای مانند بمب‌گذاری در مجموعه‌ای از ساختمان‌های دولتی از جمله ساختمان اداره منابع طبیعی، ساختمان فرمانداری و ساختمان سازمان برنامه و بودجه، بمب‌گذاری در خیابان‌های اهواز و زنجیره بمب‌گذاری‌ها در چاه نفت شماره ۱۷۹ اهواز و... از جمله عملیات‌های این گروهک در سال‌های متمادی بوده است. در مجموع در سال ۸۴، هشت انفجار در اهواز، یک انفجار در تهران و دو انفجار در شهرهای آبادان و دزفول رخ داد که منجر به کشته‌شدن حداقل ۲۶ نفر و زخمی‌شدن حداقل ۲۸۳ نفر شد. در ادامه اقدامات تروریستی خود در اردیبهشت‌ماه سال ۹۶، حمله دیگری در اهواز این بار به یک کلابتری رخ داد که در نتیجه آن دو نفر از کارکنان کلابتری به شهادت رسیدند و خبرسازترین اقدام این گروه، حمله به رژه نظامی به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس در سال ۹۷ بوده که منجر به شهادت و زخمی شدن بسیاری از افراد و ایجاد رعب و وحشت در این مراسم شدند. این گروه با رفتارهای مسلحانه همیشه و همیشه منجر به حاشیه کشاندن اعتراضات مردمی اهالی استان خوزستان شده که می‌توان اشاراتی به اعتراضات معیشتی مردم در سال‌های ۹۶ و ۹۸ و اعتراض به نبود آب در سال ۱۴۰۰ نمود که با همین حرکات ضربه‌های خود را با واسطه ناامنی در این منطقه بر پیکره مقدس ایران اسلامی وارد می‌نمایند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مسائل قومی و تنش در استان خوزستان

پدیده پان عربیسم (قومی گرایی عربی) در ایران سالهاست که محل مذاقه و مناقشه بین صاحب نظران جامعه شناسی سیاسی شده، اهمیت این موضوع از آن جهت است که در استان های جنوبی ایران تعدادی از هموطنان ما را اعراب شکل می دهند که در مقاطعی از تاریخ ادعای برتری قومی، خودمختاری، شورش در مقابل دولت مرکزی داشته اند، ضمنا احساس محرومیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شکل ابزاری برای تشدید ادعای مذکور عمل کرده و باعث بروز اتفاقاتی علیه امنیت ملی ایران شده است. پان عربیسم یکی از مصادیق قومیت گرایی است و به طور کلی به جریان افراطی طرفدار آیین، فرهنگ، مذهب، زبان، نژاد و تمامیت قومی عربی دلالت دارد و به طور خاص دارای شاخص های مفهومی ویژه ای در رابطه با ایران است. ایران قبل از انقلاب به نام جریان پان عربیسم تجزیه را تجربه کرده (جداش شدن بحرین از ایران) و بعد از انقلاب اسلامی به نام پان عربیسم شاهد مداخله سیاسی و نظامی مصر و عراق در ایران و در جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه ایران بوده ایم که موجب تنش در این استان و کشور ایران شده است.

در خصوص موضوع یاد شده به صورت جامع و مستقل مطالب بسیار کمی مشاهده می‌شود که این مباحث هر کدام به صورت جداگانه در خصوص امنیت ملی یا در مورد گروه‌های تجزیه طلب و سلفی‌گری و... صحبت شده است که در زیر به آنها اشاراتی می‌شود امید است این پژوهش بتواند در مورد موضوع مذکور مباحث مفیدی را ارائه نماید:

محمد جهانی (۱۳۹۲) در مقاله خود به نام تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر سلفیت) در خصوص این موضوع صحبت کرده است: یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت ملی در کشور، رویکرد خاصی از فرقه‌گرایی مذهبی مبتنی بر برجستگی هویت مذهبی و سیاسی شدن اقلیت مذهبی در جامعه است که عنوان «اقلیت‌گرایی مذهبی» معرف آن است. این جریان با کارویژه و عقبه ایدئولوژیکی خاص خود به واسطه به چالش کشیدن هویت ملی، قطبی شدن جامعه را در پی دارد و در نهایت، انسجام ملی را مخدوش می‌کند. پژوهش حاضر برای رصد و تقریر تحلیلی و نظام مند این مسئله، نخست امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب الگوی جامع امنیت نرم افزاری و سخت افزاری مورد کاوش و مطالعه تحلیلی قرار داده؛ پس از آن با رویکردی توصیفی تحلیلی به بیان آثار و پیامدهای ناشی از فعالیت بخش افراط‌گرای مکتب دیوبند به عنوان یکی از جریان‌های سلفی فعال در کشور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

در مقاله دیگری از شیوا جلال پور و سیدعبدالرضا حسینی (۱۳۹۶) باعنوان واکاوی نقش کشورهای خارجی در ایجاد و حمایت جریان‌های تجزیه‌طلب عرب خوزستان در مورد این موضوع مباحثی را مطرح کرده‌اند: وجود قومیت‌های مختلف در کشور، فرصت‌ها و تهدیدهایی به دنبال دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از حربه‌هایی که دشمنان خارجی در صدر فعالیت‌های خود برای به چالش کشاندن کشور قرار دادند سوء استفاده از تنوع قومیتی بود. در این میان با هدایت‌های صورت گرفته از داخل و خارج، و سوء استفاده از تعصبات قومی، گروه‌ها و افرادی در استان خوزستان با اهداف تجزیه طلبانه به صورت پنهان به ایجاد تشکل‌هایی پرداخته و به اقدامات خشنی همچون ترور و بمب‌گذاری روی آوردند. بسیاری از این عناصر به خارج از کشور گریختند و در سایه حمایت کشورهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی و حتی با پشتیبانی مالی و خط‌دهی تشکیلات اطلاعاتی برخی کشورهای غربی مجموعه‌هایی در خارج از کشور تاسیس کرده و با جذب جوانان متعصب عرب در داخل به فعالیت‌های معاندانه خود دامن زدند و در این راستا بسیاری از هموطنان را در استان خوزستان که بخش اعظمی از آن‌ها نیز عرب بودند به خاک و خون کشیدند. اکنون این سوال مطرح است که آیا کشورهای خارجی در ایجاد و حمایت جریان‌های تجزیه طلب عرب خوزستان نقش دارند.

سعید ساسانیان (۱۳۹۶) در مقاله عملیات روانی سایت‌العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی به موضوع قومی قبیله‌ای و پمپاژ خبری پرداخته است: عربستان سعودی می‌کوشد تا از مسائل قومی ایران به‌عنوان فرصتی برای تضعیف این کشور بهره‌گیرد. بر این اساس، شبکه‌العربیه وابسته به ریاض همواره در پی برجسته‌سازی مسائل قومی ایران جهت واگرایی بیشتر قوم عرب ساکن در استان خوزستان است. این مقاله در پی شناخت عملیات روانی بخش عربی وبگاه‌العربیه در قبال این قوم طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی می‌باشد. العربیه حوزه‌های گوناگونی را در عملیات روانی خود مورد استفاده قرار می‌دهد اما آنچه در این مقاله مورد تأکید است، احساس محرومیت نسبی اعراب خوزستان در حوزه اقتصادی و امکانات اولیه برای زندگی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که العربیه با تأکید مداوم بر ثروت عظیم نفتی، گازی و آبی مناطق عرب‌نشین خوزستان، در تلاش است تا سیاست قومی ایران را تبعیض‌آمیز نشان دهد تا حس محرومیت نسبی اقتصادی و امکاناتی اعراب خوزستان را تقویت کرده و زمینه‌ساز کنش‌های قومی واگرایانه آن‌ها از جمهوری اسلامی ایران شود.

۲-۲- امنیت

مقوله امنیت، تاریخی به بلندای حیات اجتماعی بشر دارد و از روزگاری که افراد و گروه‌های اجتماعی توانستند با غلبه بر جامعیت، یکجانشین شوند و اجتماعات اولیه را تشکیل دهند و مسئله امنیت به عنوان یک نیاز اساسی، خود را بر گروه‌های انسانی تحمیل کرد. تاریخ جامعه‌ای را سراغ ندارد که مدت زیادی را فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی سپری کرده باشد. در عصر روشنگری هابز شرایطی را تبیین کرده که در آن انسان‌ها بدون هیچ قاعده و نظمی به عنوان (گرگ) برای یکدیگر تهدید و دغدغه‌های ذهنی ایجاد کرده و محیط اجتماعی را به شرایط جنگ و ناامنی کامل تبدیل کرده‌اند. در این فضای ذهنی، هابز با طرح قرارداد اجتماعی به عنوان مینا و بنیان امنیت عمومی برای افرادی که در جستجوی صلح و امنیت هستند، حوزه مفهومی امنیت را ترسیم می‌کند. جان لاک با نگاهی جامع‌تر و با رویکرد ایجابی، مفهوم امنیت را ایجاد رفاه و آسایش عمومی برای شهروندان قلمداد کرده و اقبال افراد را به اقتدار حکومت در راستای ایجاد و حفظ شرایط رفاه و آسایش میداند. (بیات، ۱۳۹۸: ۲۸)

منتسکو نیز می‌گوید: چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، لذا بزرگترین اصول در حکومت، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست بلکه تأمین آزادی است. (محمودی جانکی، ۱۳۷۶: ۲۷۴)

مفهوم امنیت به تدریج توسعه بیشتری یافته و دارای ابعاد بیشتری شده است، به گونه‌ای که امروزه امنیت در مباحث توسعه و صرفاً در امور نظامی مطرح می‌شود، یعنی به جای تاکید انحصاری بر امنیت داخلی به امنیت مردم و به جای امنیت نظامی به امنیت در ادامه توسعه انسانی تاکید می‌شود. به هر حال دو جزء مهم امنیت رهایی از نیاز و ترس است.

امروزه سخن استراتژیست‌هایی چون برژینسکی که امنیت را با وجود شرایط مبتنی بر حفظ و برقراری اقداماتی که کشور را از اعمال نفوذ دشمن و مصون نگه میدارد (احمدی پور، ۱۳۷۶: ۴۴۲) تعریف می‌کنند، ناقص است. در دایره المعارف علوم اجتماعی، امنیت ملی به پتانسیل و توان یک ملت در حفظ ارزش‌های اساسی و ملی یک ملت تعریف شده است. بنابراین والتر لیپمن می‌گوید: (یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورتی که اقدام به جنگ نمود، قادر باشد همان ارزش‌ها را پیش ببرد). (عزتی، ۱۳۷۶: ۴۹۴)

اگرچه عده‌ای بر این باورند که هنر جنگ در جنگ نکردن و به اهداف آن رسیدن است، اما آرنولد ولفرز می‌گوید: (امنیت ارزشی است که هر کشوری می‌تواند کم و بیش از آن برخوردار باشد. امنیت از بعد عینی، فقدان تهدیداتی است که در مورد دستیابی به ارزش‌ها وجود دارد و بعد ذهنی، فقدان تهدیدهایی است که ارزش را مورد هجوم قرار می‌دهند. گرامشی در این باره می‌گوید: (سقوط هر رژیم‌های هنگام صورت تحقق به خود می‌گیرد که بر ارزش‌های تبلیغ شده توسط آن رژیم، در ذهن و ضمیر مردم سقوط کرده و آنچه قدرت حاکم ارزش تلقی می‌نماید، نزد مردم به ضد ارزش تبدیل شده باشد). اگر مشروعیت و کارآمدی را دو شرط اصلی در بقای هر حکومت بدانیم، مشروعیت به ارزش‌های مشترک میان دولت و ملت برمی‌گردد و در این معنا، مشروعیت پیش شرط اساسی امنیت ملی در دنیای معاصر است. به عبارت دیگر مشروعیت به معنای وجود رضایت و توافق گسترده جهت برخورداری نظام سیاسی در حق اعمال قدرت است. باید توجه داشت که مشروعیت با مشروعیت یابی که در آن حکومت‌ها به بسط و گسترش پایه اجتماعی خود و نیز درجه رضایت مردم می‌پردازند، فرق دارد. اوائل یکی از نظریه پردازان توسعه می‌گوید: (توسعه خودش مشروعیت آفرین است). (پورموزن، ۱۳۸۳: ۴۹۰).

۲-۳- امنیت ملی

(والتر لیپمن) محقق و نویسنده آمریکایی اولین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نموده است. وی می‌گوید: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کرده و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را پیش ببرد. (رابرت مک نامارا) نیز می‌گوید: اگر امنیت دال بر وضعیتی باشد، آن وضع حداقل نظم و ثبات خواهد بود. (ریچارد کوپر) نیز معتقد است: توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های امنیت ملی است. تعریف دیگر بر اساس مفهوم امنیت ملی است. اگر منافع ملی را مجموعه منافع و اهدافی که دولت‌ها در پی کسب آن هستند بدانیم، حفظ و حراست از دستاوردهای منافع ملی بر عهده امنیت ملی خواهد بود (مرادیان، ۱۳۹۱: ۶۴).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که امنیت ملی به فرآیندهای زیر اطلاق می‌گردد:

- ۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان و دین مردم، بقا و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور (سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی)
- ۲- حفظ و ارتقاء منافع حیاتی کشور
- ۳- فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور، چرا که امروزه سازگار کردن محیط با اهداف داخلی بسیار مهم است.

رابرت ماندل امنیت ملی را چنین تعریف کرده است: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی و جز مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲). امنیت ملی یک وضعیت یا شرایطی است که در آن ارزش‌های اساسی و باورهای دینی، منافع حیاتی، شیوه زندگی ایرانی - اسلامی، ارکان و نهادهای حکومتی، اتحاد و انسجام ملی در رفاه ملی به طور دائم محافظت شده و به صورت مستمر تقویت می‌شود. امنیت ملی امروزه یکی از رایج‌ترین مفاهیم در قلمرو مناسبات جهانی و مباحثات سیاسی است. امروزه این مفهوم از عرصه مطالعات دانشگاهی و فعالیت‌های دیپلماتیک پا را فراتر نهاده و به حوزه مطبوعات و رسانه‌های همگانی نیز کشانده شده است در جهان غرب نیز گرچه در مورد مسائلی که حول محور امنیت ملی می‌چرخند، کتاب‌های زیادی نوشته شده، اما به خود امنیت ملی به مثابه حوزه مطالعاتی جداگانه توجه چندانی نشده است. (همان)

پنه لوبه هارتلند معتقد است که امنیت ملی یعنی توانایی‌های هر ملت برای تحقق موفقیت‌آمیز منافع ملی خود در هر جای دنیا و به نحوی که می‌بینید. مایکل لوه امنیت ملی را شامل سیاست دفاع ملی و اقدامات غیرنظامی دولت برای تضمین ظرفیت کامل بقای خود به منظور اعمال نفوذ و حصول اهداف داخلی و بین‌المللی می‌داند. جیاکومو لوچیانو امنیت ملی را توانایی رویارویی در مقابل تجاوز از خارج تعریف می‌کند (ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۳).

رابطه مانند ضمن تصریح ضرورت گسترش مفهومی امنیت، مصادیقی از تهدیدها مانند خشونت داخلی، تهدیدهای فرا ملی و فروملی، شیوع بیماری ایدز، رکود اقتصادی، فقر و تحول ارزش‌ها را برشمرد است بنابراین، ملاحظات وی چهار بعد عمده امنیت را به صورت نظامی، اقتصادی، منابع محیطی و فرهنگی-ارزشی از یکدیگر بازشناسی نمود (مانند، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

به طور کلی درباره مولفه های امنیت در جمهوری اسلامی می توان این مولفه ها را در زمینه های مختلف اقتصادی (رشد اقتصادی، امنیت شغلی، بهداشت عمومی، عدالت اجتماعی و...) سیاسی (ثبات سیاسی، توان ملی، امکان مشارکت همگانی و...) فرهنگی-ارزشی (ارتباطات اجتماعی قوی، ایجاد انگیزه در افراد، احترام و اعتماد متقابل، همبستگی هویتی، امنیت فرهنگی، پیشرفت دینی، روحیه صبر و مقاومت) نظامی (محیطی موثر و امن، امنیت جان و مال و ناموس، حفظ مرزها، کمیت و کیفیت تجهیزات و قوای نظامی) ژئوپلیتیکی (جمعیت، مرزهای مهم، موقعیت خاص، آبهای آزاد و مسئله نفت) و به ویژه دولتی کارآمد (کارآمد در عرصه های) مختلف بررسی کرد.

در دیدگاه اسلامی می بایست امنیت را در سایه اقتدار، استقلال، دانایی و توانایی، ارتباطات قوی و سازنده امت اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش و توطئه و تهدید دشمن و بیگانگان و بیگانه پرستان و نفوذ ایادی شیطانی آنان پیگیری کرد. امروزه هیچ کشوری در تامین امنیت ملی، تنها به مقابله با تهدیدات نظامی بسنده نمی کند، بلکه انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، رسانه ای و... را در نظر می گیرد. بر اساس مباحث فوق تعریف جامع از امنیت ملی متناسب با وضع نوین جهانی عبارت است از: دستیابی یک ملت به امکانات و توانمندی و ابزاری که بتواند با تمسک به آنها از تهدیدهای خارجی و داخلی در امان باشد، سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی بیگانه را دفع کند؛ از ارزش های حیاتی خود در صلح و جنگ، دفاع و حراست نماید؛ از موجودیت کشور و تمامیت ارضی آن محافظت کند. سیر صعودی در افزایش قدرت و توان ملی در عرصه های مختلف داشته باشد و در راه پیشبرد امر توسعه متوازن و پویا و تحکیم وحدت ملی و ارتقای سطح مشارکت سیاسی جامعه موفق باشد (دلاور، ۱۳۸۷: ۴۷-۴۵).

۲-۴- مفهوم جنبش و گروه های قومی در ادبیات سیاسی

گی روشه در کتاب خود با عنوان تغییرات اجتماعی، جنبش اجتماعی - قومی را عبارت از سازمانی کاملاً متشکل و مشخصی می داند که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدفهای خاصی به گروه بندی و تشکیل اعضا می پردازد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۷۹). اگر بخواهیم به طور مختصر ویژگی های جنبشهای اجتماعی را بر شماریم باید اذعان نمائیم که این جنبشها دارای سه ویژگی مشترک هستند. همه جنبشها دارای سلسله ای از اهداف، یک برنامه عملی برای نیل به آن اهداف و یک ایدئولوژی یا فلسفه ای هستند که موجودیتشان را توجیه می کنند (بروس کوئن و توسلی، ۱۳۷۳: ۴۰۴). جنبشها و گروههای قومی فعال عرب خوزستان:

احزاب و جنبشها و گروههای فعال در منطقه خوزستان به دو گروه عمده تقسیم می شوند.

۱. گروهها و جنبشهایی که در قالب ابزارها و اقدامات قانونی به فعالیت مشغول می باشند.

۲. گروهها و جنبشهایی که با دست زدن به اقدامات خشن و غیر قانونی تفکرات تجزیه طلبانه و استقلال خواهانه را دنبال می کنند.

۳- تحلیل

۳-۱- گروهها و جنبش های تجزیه طلب و غیر قانونی

گروههایی مانند اتحادیه عرب خوزستان، جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه التحریر خوزستا، فدائیان خلق و حزب کارگران سوسیالیست از جمله سازمانها و تشکیلاتی بودند که از ماه های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیتهای خود را در این منطقه متمرکز ساختند و آشکارا به ترویج و گسترش اهداف و عقاید خود پرداختند.

وجود اقوام، زبان، فرهنگ و گستردگی مختلف در کشور، فرصت ها و تهدیدهایی به دنبال دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از حربه هایی که دشمنان خارجی در صدر فعالیت های خود برای به چالش کشاندن کشور قرار دادند، سوء استفاده از تنوع قومیتی بود. در این میان با برنامه ریزی و هدایتی که از داخل و خارج کشور صورت گرفته و سوء استفاده از تصبات قومی، گروه ها و افرادی در استان خوزستان با اهداف تجزیه طلبانه به صورت پنهان و آشکار به ایجاد تشکیلاتی پرداخته و به اقدامات خشن همچون ترور و بمب گذاری روی آوردند. بسیاری از این عناصر به خارج از کشور گریختند و در سایه حمایت کشورهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی و حتی با پشتیبانی مالی و خط دهی تشکیلات اطلاعاتی برخی کشورهای غربی مجموعه هایی در خارج از کشور تأسیس کرده و با جذب جوانان متعصب عرب در داخل به فعالیت های معاندانه خود دامن می زند و در این راستا بسیاری از ساکنین خوزستان را که بخش اعظمی از آن ها نیز عرب هستند به خاک و خون، ترور، خرابکاری و... می کشانند.

بسیاری از ساکنان استان خوزستان و حتی مسولین امر در استان خوزستان نسبت به این گروه‌ها شناخت کافی نداشته و حتی ممکن به صورت ناخواسته از مواضع آن‌ها دفاع نمایند. تجزیه‌طلبان با در نظر گرفتن این موارد که استان خوزستان از منابع خدادادی طبیعی از جمله نفت، گاز، آب، زمین‌های حاصل‌خیز برای کشاورزی، وجود مرزهای آبی و خاکی با کشورهای همسایه و ... برخوردار بوده و هر گونه ناامنی در آن، جمهوری اسلامی را به مخاطره انداخته و امنیت آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و با حمایت کشورهای خارجی در تلاش برای جدا سازی آن از ایران و معرفی به عنوان یک کشور مستقل عربی هستند. در مقاطع مختلف شاهد حمایت این جریان‌ها از سوی کشورهای خارجی، شامل آمریکا، برخی کشورهای اروپا و عربی، رژیم صهیونیستی و ... بوده‌ایم که علی‌رغم انجام اقدامات ایذایی، بمب‌گذاری‌ها و ترورهای متعدد و شهادت بسیاری از هم‌وطنان خوزستان، آن‌ها را به عنوان فعالین اجتماعی عرب معرفی می‌نمایند.

۳-۲- گروه‌های تجزیه طلب ایران

از میان چالش‌های فراروی احساس امنیت عمومی در برابر تهدیدهای تروریستی، می‌توان به هم‌مرز بودن ایران با برخی کشورهای بی‌ثبات همسایه مانند افغانستان و پاکستان و ... اشاره کرد که نقش بسزایی در تهدیدهای تروریستی در کشور ایران دارند. به طور کلی چند نوع گروه‌های ساختاریافته فعال در زمینه اقدامات تروریستی در پاکستان وجود دارند که در هدایت عملیات تروریستی در داخل ایران نقش دارند. این گروه‌ها عبارتند از گروه‌های تروریستی فرقه گرا، گروه‌های تروریستی قومگرا و گروه‌های تروریستی مخالف هیئت حاکم و سیاست‌های پاکستان که در این میان دسته آخر مورد بحث نبوده، چراکه به اقدامات تروریستی در خاک ایران ارتباطی پیدا نمی‌کند (ترجمی، ۱۳۸۸: ۴۵). چالش دیگر مربوط به قومیتها در ایران است. وجود اقوام گوناگون در ایران علی‌رغم اینکه فرصت محسوب می‌شود، خود می‌تواند زمینه ساز تهدیدهای تروریستی نیز محسوب شود. توضیح اینکه، ایران امروزی مجموعه ناهمگونی از اقوام مختلف نژادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی بوده است که در برخی از دوره‌های تاریخ مشترک خود در ایران، انسجام و همگونی لازم را نداشته اند، به همین جهت عمدتاً نطفه بحران هویت در آنها وجود داشته است که در برهه‌های زمانی خاص جنبه بحران سیاسی داشته اند (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۳).

مرزن‌نشین بودن اغلب اقوام ایرانی نیز آنها را مستعد پذیرش تحركات قومی و بعضاً تجربه طلبانه مینماید. همچنین دخالت‌های پنهانی و آشکار دولت‌های استعماری گذشته و قدرتمند امروز نظیر ایالات متحده آمریکا که در موضوع جدایی طلبی قومیتها و ایجاد شکاف بین قومیتها و مرکز، بودجه‌ای اختصاص داده اند نیز دیده میشود (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳).

۳-۳- اندیشه پان، عقبه فکری مهم تجزیه طلبان

علاوه بر اهداف و اغراض شوم غرب و اسراییل علیه بالندگی و حفظ تمامیت ارضی ایران، اندیشه‌های افراطی ناسیونالیستی تحت عنوان «پان» عقبه فکری مهم تجزیه طلبان در مناطق بحران خیز سنتی ایران می‌باشد. مکتب سیاسی «پان» شاخه‌های بزرگی چون پان اسلاویسم، پان عربیسم، پان ترکیسم، پان کردیسم و ... برآمده از نهضت ناسیونالیسم - برتر دانستن ملت خود بر ملت‌های دیگر یا ملیتگرایی است که در قرن نوزدهم در اروپا آغاز شد.

۳-۴- جریان‌های تجزیه طلب در خوزستان

در جنوب کشور گروه‌های قومی اقدام به فعالیتهای تروریستی در استان خوزستان نموده اند. به طور کلی جنبش‌ها و گروه‌های قومی تجربه طلب فعال عرب خوزستان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند که عبارتند از: گروه‌ها و جنبش‌هایی که در قالب ابزارها و اقدامات قانونی به فعالیت می‌پردازند و گروه‌ها و جنبش‌هایی که با دست زدن به اقدامات خشن و غیرقانونی تفکرات تجزیه طلبانه و استقلال خواهانه را دنبال می‌کنند و شامل: اتحادیه عرب خوزستان، جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه التحریر خوزستان، فدائیان خلق و حزب کارگران ناسیونالیست از جمله سازمان‌ها و تشکیلاتی بودند که از ماه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های خود را در این منطقه متمرکز ساختند و آشکارا به ترویج و گسترش اهداف و عقاید خود پرداختند (بیژنی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹).

۳-۵- تأثیر متغیر قومیت بر امنیت ملی

با عنایت به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی نظام مدیریت امنیتی را تشکیل می‌دهد. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه آورده است و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چند پاره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چندپارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود

فراروی فرآیند ملت‌سازی در جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است. متغیر انسجام اجتماعی، سیاسی از جمله در گروه‌های قومی از نظر امنیت ملی حائز اهمیت است. و اگر درجه هویت‌سازی ملی منسجم و حضور یا فقدان هویت‌های رقیب خرده ملی را از شاخص‌های قوت و ضعف یک کشور محسوب کنیم، کشورها را می‌توان به دو دسته قوی و ضعیف تقسیم کرد. کشورهای قوی از انسجام اجتماعی، سیاسی قابل توجهی برخوردار هستند و از فرآیند ملت‌سازی با موفقیت عبور کرده‌اند. اما کشورهای ضعیف در فرآیند ملت‌سازی با ناکامی مواجهند.

در کشورهای مختلف، چندپارگی و تشتت و تبدیل یک دولت-ملت به گروه‌های قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسئله امنیت ملی در جهان سوم می‌افزاید. شاید ناکام‌ترین موارد قابل لمس در کشورهای در حال توسعه، ایجاد یک حس مشترک عمومی درباره ارزشها و علائق می‌باشد. و طبیعتاً ارزشهای گروه‌های غالب به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار بروز می‌کند، مثل جنبشهای تجزیه‌طلب، که این موارد هسته اصلی ناامنی داخلی را تشکیل می‌دهد. (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۳)

هرچه یک دولت-ملت منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری دارد و در مقابل، دولت، ملت نامنسجم، زمینه بالقوه مناسبی برای رفتارها و رخدادهای ضدامنیتی محسوب می‌شود. لذا در جوامع ضعیف و پاره پاره، احتمال واگرایی و مرکزگریزی گروه‌های فروملی قابل ملاحظه است، قومیت در ارزیابی امنیت ملی متغیری مهم محسوب می‌شود.

قومیت در جهان امروز ابعاد وسیع و روزافزونی پیدا نموده است. از شگفتی‌های دهه اخیر این است که از یک طرف شاهد به اصطلاح جدید شدن فرآیند جهانی شدن، بازارهای اقتصادی، شیوه‌های حقوقی و سیاسی هستیم و از سوی دیگر، ظهور انواع اختلاف‌های قومی و تأکید بر بنیادی‌ترین هویت ملی گروهی، وفاداری‌های قومی در بسیاری از مناطق و کشورهای جهان را می‌بینیم.

روزگاری در اتحاد جماهیر شوروی سابق ۱۰۴ گروه قومی در قالب یک کشور واحد همزیستی می‌کردند. امروزه ۱۵ کشور مستقل قومی بر فراز جسد قدرت مذکور پرچم‌های خود را برافراشته‌اند. اروپا که اکنون قدرت خود را به طور نمادین با واحد پول مشترک به نمایش می‌گذارد متشکل از ۷۵ منطقه فرهنگی و قومی جداگانه است و به طور بالقوه به ۷۵ کشور تقسیم شده است. (مختاری، ۱۳۸۳: ۱۸)

به طور کلی در بررسی روند بحران قومی باید دانست که این موضوع نیز مثل هر مسئله اجتماعی دیگر در طیفی از حالات و شدت متفاوت قابل تشخیص و بررسی است که اهم آن در ذیل می‌آید.

۱. دخالت بیگانگان و حمایت علنی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی از قومیت‌گرایی در ایران که در این راستا ساموئل زولپر، مسیونر معروف غربی می‌گوید «نخستین کار برای ریشه‌کن کردن اسلام ایجاد قوم‌گرایی است».

۲. مرحله گذار کشور و ارتباط معنادار معطوف به افزایش بحران‌های قومی به دلایلی چون:

الف) سهم‌بری گروه‌های قومی از نظام در حال تکوین،

ب) استقرار مشروعیت جدید به علت ستم‌ها و اجحاف‌ها در زمان رژیم پهلوی و رفع ستم ملی و تلاش جهت تغییر در شیوه برگزاری رفراندوم و تدوین قوانینی چون خودمختاری در قانون اساسی و ... از نظام جدید.

ج) تلاش جهت تأثیرگذاری بر نظام جدید و تدوین قوانین حمایتی از اقوام غیرفارس و حضور در هر قدرت سیاسی، طبیعت تغییر و تحول در جوامع در حال گذار و فراهم آمدن زمینه برای بروز بحران‌های گوناگون است که این زمینه برای شیخ خزعل، فرقه دموکرات آذربایجان، قطب‌زاده، حزب دمکرات کردستان پدید آمد.

۳. بعد پیروزی انقلاب اسلامی جریان‌های واگرا و ناهمساز در کردستان، سیستان، آذربایجان، خوزستان و ترکمن صحرا آتش منازعات قومی را دامن زده‌اند.

۴. تعارض هویت به جهت اینکه ایران از منظر ترکیب قومی و مذهبی، جامعه‌ای ناهمگون محسوب می‌شود و این تفاوتها برای هر گروه قومی هویت و شخصیت مستقل و متمایزی از هویت جامعه ملی را ایجاد کرده است. به گونه‌ای که موجب تنزل جایگاه هویت ملی می‌گردد.

۵. تشکیل گروه‌ها و احزاب سیاسی پنهان و آشکار، در هواداری از کاندیداها صرفاً به جهت تعصبات قومی و مذهبی.

۶. ایجاد و تشکیل NGOهای با گرایش قومیت‌گرایی در کشور.

۷. افزایش سریع جمعیت و قدرت اقتصادی گروه‌های قومی به عنوان دو مؤلفه مهم قدرت به جهت عدم کنترل جمعیت در قالب طرح‌های مهار جمعیت در مناطق قومی‌نشین حاشیه‌ای نسبت به جمعیت فارس زبانها و عدم رشد اقتصادی به جهت فقر اقتصادی و کمبود امکانات از یک طرف و تأکید نخبگان سیاسی و مذهبی بر لزوم افزایش جمعیت باعث برهم زدن ترکیب نفوس در این مناطق و کل کشور گردیده است.

۸. فزونی مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میان اقوام توسط نخبگان سیاسی مسئله‌دار، احزاب و گروه‌های معاند جهت بحران‌آفرینی در کشور.

۹. رشد فرآیند خودآگاهی قومی و تلاش فرهنگی بعنوان راهبردهای مهم قوم‌گراها به عنوان ابزار بسیج توده‌ها و پیوستن بخشی از فارغ التحصیلان و نخبگان علمی هر قومی، در پی گسترش مراکز آموزش عالی و قد برافراشتن ماهای کوچک در برابر ماهای بزرگ (ملی) و تقاضاهای قابل مذاکره و غیرقابل مذاکره در همه ابعاد با سرعت فزاینده از زبان روشنفکران، تحصیل کرده‌های لائیک و حتی مسلمان. لذا آنچه مایه دغدغه خاطر است، رشد یکسویه خودآگاهی‌های قومی است که موجب تضعیف هویت ملی و وحدت ملی می‌گردد. مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی است که موجب تضعیف هویت ملی و وحدت ملی می‌گردد. مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی، سیاستی است که معطوف به تقویت همبستگی و انسجام ملی شود و موجب تحقق نوعی هویت و وحدت ملی گردد.

۱۰. رشد فزاینده انجمنهای هنری ادبی دانشجویی جهت افزایش قومیت‌گرایی و تلاش برای همراه نمودن سایر دانشجویان برای سوء استفاده سیاسی و تشنج‌زا

۱۱. ساخت فیلمهایی که هویت‌جویی قومی را تشویق می‌کند یا فیلمهایی که به تحقیر اقوام مبادرت می‌ورزد.
۱۲. افزایش مطبوعات محلی با گویشهای قومی و محلی و ترویج تفکر گریز مرکزی
۱۳. موازی بودن شکاف قومی با شکافهای مذهبی و زبانی در مناطق قومیت‌نشین
۱۴. تشدید معضل جاسوسی به جهت استقرار اقوام ایرانی در حاشیه کشور، تردد و رابطه آنها با کشورهای همجوار و نفوذپذیری مرزها سرویس‌های جاسوسی کشورهای دشمن و حتی دوست باعث استخدام و به کارگیری افراد با انگیزه‌های قومی می‌گردد. چنین تحركاتی حس قوم‌گرایی و شیوع جنبشهای تجزیه‌طلبانه قومی را افزایش می‌دهد. و زمینه نفوذ به مراکز حساس سیاسی، اقتصادی نظامی و ... را تشدید می‌کند.
۱۵. فزونی اشغال پستهای اداری - سیاسی در کشور نسبت به سنوات گذشته
۱۶. مرزنشینی اقوام و استقرار در کانونهای بحران خیز کشور
۱۷. فراوانی ناهنجاریهای اجتماعی، شرارت، اقدامات تروریستی و ...
۱۸. مهاجرت و بروز مشکلات عدیده این پدیده شوم در برخی استانها و شکل‌گیری اراذل و اوباش به علت مهاجرت و استقرار در حاشیه‌های کلان شهرها و ایجاد ناامنی و درگیری و بروز بحران و اغتشاش و سوء استفاده عناصر بیگانه از این ظرفیتها جهت بحران‌سازی در کشور
۱۹. به وجود آمدن غائله‌هایی به علت تقسیمات کشوری و بهره‌برداری سیاسی از این موضوعات در دولت گذشته در برخی استانهای کشور
۲۰. تحریک بیگانگان و دخالت شیطنت‌آمیز به صورت مستقیم در مباحث اقوام
۲۱. حمایت‌های جانبدارانه مجامع و گروههای جهانی به اصطلاح بشر دوستانه (حقوق بشر)
۲۲. تأثیر نارضایتی عمومی در مناطق قومی چون معیشت، بیکاری و ...
۲۳. استفاده از ظرفیت قومیت‌ها جهت ناامنی در کشور و سوء استفاده در انتخابات، راهپیمایی‌ها و مشارکت سیاسی و اجتماعی
۲۴. برانگیخته شدن حس ناسیونالیستی در میان اقوام و طوایف در کشور
۲۵. تحریک و سوء استفاده از عواطف لطیف اقوام و طوایف توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای و کاندیدها. (کارنامی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۸)

علاوه بر اهداف و اغراض شوم غرب و اسرائیل علیه بالندگی و حفظ تمامیت ارضی ایران، اندیشه‌های افراطی ناسیونالیستی تحت عنوان «پان» عقبه فکری مهم تجزیه‌طلبان در مناطق بحران‌خیز ستنی ایران می‌باشد. مکتب سیاسی «پان» با شاخه‌های بزرگی چون پان اسلاویسم، پان عربیسم، پان ترکیسم، پان کردیسم و... برآمده از نهضت ناسیونالیسم - برتر دانستن ملت خود بر ملت‌های دیگر یا ملیت‌گرایی - است که در قرن نوزدهم در اروپا آغاز شد. (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

ناسیونالیسم در آغاز بیشتر مشخصه فرهنگی داشت تا سیاسی. این نهضت این معنی را در برداشت که هر ملتی صاحب زبان و نظریه‌ای نسبت به جهان و سرانجام تاریخ خود می‌باشد که باید آن را حفظ و تکمیل کند. بعدها ناسیونالیسم توجه خود را به سیاست نیز معطوف کرد و عنوان داشت که برای حفظ فرهنگ ملی و محرز ساختن آزادی و عدالت در حق افراد جامعه، هر ملتی باید درون مرز خود برای خودش حکومتی مستقل تشکیل دهد و هر نوع قوانین و مقرراتی را که میل دارد برای خود انتخاب نماید.

از دیرباز تاکنون اندیشه‌های ناسیونالیستی افراطی چون پان ترکیسم، پان آذریسم، پان ترکمنیسم، پان عربیسم، پان کردیسم، پان ارمنیسم، پان بلوچیسم، پان افغانیسم / طالبانیسم - با سوء نظر به خراسان - تمامیت ارضی ایران را تهدید می‌کنند. در این میان قدرت‌های بزرگ نیز آتش این اندیشه‌های افراطی را برافروخته‌تر می‌سازند. (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

در این رابطه دکتر کریمی‌پور معتقد است:

«علاقی دولت - ملت‌های ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های ترکمنستان واحد و آذربایجان و ارمنستان بزرگ با وحدت و امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران تداخل پیدا می‌کند. این در حالی است که پاکستان

و ایران از مرکزگریزی بلوچها در هراس تاریخی به سر می‌برند. همچنین علاقه برخی جناحها در افغانستان به تغییر نام این کشور به خراسان، طرح‌های متعدد عراق تحت حاکمیت رژیم بعث [سرنگون شده] با حمایت برخی دولت‌های عرب برای تجزیه خوزستان، امتداد سرزمینی و قومی کرد در نوار مرزی غرب کشور، آسیب‌پذیری ایران در قبال حوزه‌های ژئوپلیتیک پیرامونی و تداخل آنها با محیط استراتژیک داخلی را بیش از پیش ساخته است». (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

۴- نتیجه‌گیری

هدف اصلی در طراحی و تدوین سیاسی قومی معطوف به تقویت هرچه بیشتر یکپارچگی، همبستگی وحدت و وفاق ملی یا اجتماعی در سطح کشور می‌باشد. در ادبیات علوم اجتماعی از این وضعیت تحت عناوینی چون مهندسی اجتماعی، ملت‌سازی، وفاق اجتماعی، وحدت نمادی، یکپارچگی ملی یاد می‌شود بنابراین پیگیری سیاسی قومی در ایران باید متضمن هدایت بخش عمده‌ای از توانایی‌ها و استعدادها برنامه‌ریزی در مدیریت سیاسی جامعه و اتخاذ رویکردهای مناسب در حوزه فرهنگ، تبلیغات و ارتباطات و ... باشد. اصول حاکم بر سیاست قومی در ایران باید منتهی به تقویت اشتراکات و تلاش برای نزدیکی اقوام با همدیگر باشد. و به این نکته توجه داشت که هرچه محورها و اصول مورد توافق جمعی افزایش یابد، امکان و احتمال هماهنگی و همدلی بیشتر خواهد بود.

بنابراین برخی عوامل جهت مقابله با قومیت‌گریزی اقوام و تأثیرگذاری بر امنیت ملی در کشور مطرح می‌گردد:

۱. تأکید بر آرمانهای انقلاب اسلامی و حفظ و ترویج ارزشهای اسلامی؛
۲. تقویت عوامل تشکیل دهنده هویت ملی در برابر هویت‌های قومی و محلی؛
۳. تأکید بر موارث فرهنگی با پیشینه مشارکت همزیستی دائمی اقوام و دخالت تاریخی اقوام در حاکمیت؛
۴. تأکید بر زبان فارسی (به گونه‌ای که از کاربرد دیگر زبانها و گویشها جلوگیری نشود)؛
۵. تأکید بر توسعه همه جانبه در کل کشور و ایجاد و پیگیریهای طرحهای عمرانی و ... در مناطق قومیت‌نشین؛
۶. کاهش محرومیت‌ها در مناطق قومی؛
۷. مقابله جدی با جریانهای قومی واگرا و سیاستهای مداخله جویانه بیگانگان و سوء استفاده از اقوام (در سطح کلان)؛
۸. حساسیت‌زدایی در خصوص رشد مطبوعات، زبان، موسیقی، هنر و پوشش محلی؛
۹. از میان بردن زمینه‌های بروز احساسات و تحریکات چون فقر، محرومیت و عقب ماندگی در مناطق قومیت‌نشی؛
۱۰. برابری در فرصتهای اساسی مانند شغل، تحصیلات و امکانات رفاهی؛
۱۱. تقویت احترام، عزت و تکریم شهروندان از سوی همدیگر؛
۱۲. تقویت وحدت شیعه و سنی و دیگر قومیتها در مناطق؛
۱۳. ارتقای سطح ایران‌گردی و احساسات عام‌گرایانه؛
۱۴. تقویت تیمهای ورزشی در مناطق قومی و تشویق برای حضور در مسابقات سراسری و ملی؛
۱۵. شناسایی عناصر اصلی آشوبگر توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و برخورد قاطع دستگاه قضایی با متخلفان؛
۱۶. بالا بردن سطح آگاهی مردم (قومیت‌ها) نسبت به دستهای پشت پرده شرارت و بیگانه؛
۱۷. برنامه‌ریزی جهت تقویت وفاق اجتماعی به عنوان یک هدف کلان و محقق شدن فرموده مقام معظم رهبری مبنی بر اتحاد ملی؛
۱۸. حفظ استقلال نسبی خرده فرهنگها و حتی اصالت دادن به آنها و در عین حال برقراری اتصال و ارتباط بین اقوام از طریق تقویت و برجسته کردن نقاط مشترک اقوام و غیراقوام (ارزش، عرف و...)
۱۹. هوشیاری در تفکیک تقسیمات کشوری و لحاظ قرار دادن آداب و رسوم و سنن (تفرقه زدایی)؛
۲۰. استفاده از پژوهشگران و مراکز فرهنگی دینی جهت تشریفات و بولتن‌ها؛
۲۱. شناسایی و برخورد با عوامل ایجاد بحران، چون سرپلهای مالی و تأمین منابع آشوبگران، اغتشاشگران، وبلاگ نویسان؛
۲۲. احداث جاده‌های بزرگ بین شهرها و استانها، که مراوده بیشتر و راحت‌تر اقوام با یکدیگر را فراهم آورده، آنان را از نظر فرهنگ و زبان به یکدیگر نزدیک کند.
۲۳. فراهم آوردن امکانات زندگی برای فارسی‌زبانان در مناطق مرزی و برعکس، امکان زندگی برای اقوام مرزی در مرکز کشور، تا از این طریق اقوام به یکدیگر نزدیک‌تر شده، فرهنگها مشترک گردد و مناطق نیز از یکدستی کامل به درآیند؛
۲۴. حضور مداوم مسئولان دولتی در شهرهای دوردست و مناطق قومیت‌نشین. (کارنامی، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۸)

در عصر حاضر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شاهد آن هستیم که این گروه‌ها با شکل و شمایل بروزتر، قدرت بیشتر، تعدد فراوان تر و دارای حمایت از کشورهای مختلف به خصوص استخبار جهانی هستند و همین امر باعث شده تا آنها از رسیدن به اهداف خود عقب نشینی نکرده و همواره ضرباتی را به ایران وارد نمایند.

گروه‌های تجزیه طلب ایران به خصوص خوزستان، به واسطه‌ی ارتباطات مختلف با دشمنان جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی صورت گرفته از آنها برای ضربه زدن به ایران با دست گذاشتن بر روی مسائلی مانند: تعصب قومی و قبیله ای و ایجاد انگیزه برای ورود به مبارزات و تحرکات مختلف، منجر به بروز حوادث ناگوار برای ایران شده اند.

ما حتی شاهد آن هستیم که مسئولین مختلف که در راس امور قرار دارند و بایستی با آنها مقابله نمایند شناخت و آگاهی کافی از این گروه‌ها ندارند و گاهی ناخواسته از مواضع آنها حمایت می‌کنند. در ادامه می‌توان به این مورد اشاره کرد که: عوامل مختلفی دست به دست هم می‌دهد تا این گروه‌ها بتوانند با فراغ بال بهتری دست به حملات تروریستی و خرابکارانه بزنند که این عوامل عبارتند از: وجود همسایگی با کشورهای بی‌ثباتی مثل افغانستان و پاکستان، چالش فراوانی در تعدد اقوام گوناگون در ایران که منجر به زمینه‌ای برای تهدیدهای تروریستی می‌شود، دخالت پنهان و آشکار دولت‌های استعماری و... که باعث شده در چهار گوشه ایران و نقاط مختلف آن، چندین گروه تجزیه طلب عرض اندام کرده و ساکنان آن منطقه را تحت تاثیر قرار دهد.

در اینجا می‌توان از عقبه فکری و اندیشه‌ای که این گروه‌ها با آن دست به این اقدامات می‌زنند و علیه تمامیت ارضی ایران فعالیت می‌کنند، صحبت کرد که این موضوع را می‌توان اندیشه افراطی ناسیونالیستی یا «پان» عنوان نمود. این عقبه فکری منجر به تشکیل گروه‌های تجزیه طلب فعال در خوزستان شده است، خوزستانی که خود به تنهایی حجم عظیمی از ذخایر خدادادی را در خود جای داده و سرزمینی حاصلخیز و پر آبی می‌باشد که منجر به آن شده با وجود عقبه فکری گروه‌های تجزیه طلب، عوامل سرزمینی و ژئوپلیتیکی هم بر طمع این گروه‌ها بیفزاید و به دنبال جدایی طلبی و استقلال خواهی باشند.

این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های مختلفی به دنبال سهم خواهی و استقلال خوزستان از ایران باشند و با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی، هنوز هم این سهم خواهی و جدایی طلبی وجود داشته، و این گروه‌ها آشکارا به ترویج عقاید و اهداف خود باشند.

ناآرامی به هر شکل، وسیله و موضوع، از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی، فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و ... است. ناآرامی همواره تهدیدات بالقوه‌ای علیه امنیت ملی را در پی دارد و در اشکال و صورتهای مختلف و در پوشش چون اغتشاش، اعتراض کارگری و مردمی، بمب‌گذاری، ترور و ... بروز می‌کند. لذا یکی از شاخص‌های محل امنیت ملی به جهت پراکندگی جمعیتی کشور پدیده قومیت می‌تواند باشد. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های تجزیه‌طلب در سراسر کشور با پشتوانه قدرت‌های خارجی درصدد طراحی توطئه و ضربه زدن به نظام نوپای اسلامی برآمدند و غائله‌های متعددی را در خوزستان، آذربایجان، کردستان، گنبد، سیستان و بلوچستان ساماندهی و عملیاتی کردند. یکی از همین گروه‌ها که در منطقه جنوب خوزستان به ویژه در شهرهای خرمشهر و آبادان فعالیت داشت گروه خلق عرب بود که با حمایت مستقیم رژیم بعث عراق و سوءاستفاده از موقعیت شیخ شبیر خاقانی توانستند توطئه‌ها و جنایت‌های متعددی در آن منطقه صورت دهند که درایت امام و همکاری مردم و نهادهای انقلابی موجب خنثی شدن نقشه‌های شیطانی آن‌ها و برقراری آرامش و امنیت در منطقه شد. در نخستین ماه‌های از پیروزی انقلاب اسلامی، با فعالیت‌های گروهک‌های معاند، استان خوزستان و به‌خصوص شهر خرمشهر دستخوش آشوب و ناآرامی شد و از بهار سال ۱۳۵۸ تا آغاز جنگ تحمیلی انفجارهای پیاپی در نقاط مختلف اهواز، آبادان و خرمشهر آرامش را از مردم شهر سلب کرد. عامل اصلی این ناآرامی‌ها چند گروهک فتنه‌گر بودند که به دنبال تحقق اهداف تجزیه‌طلبانه خود بودند. در هر صورت گروه‌های تجزیه‌طلب با انحای مختلف از سوی کشورهای خارجی تغذیه شده تا منافع ملی و ایران ضعیف را به دنبال داشته باشد.

حال باتوجه به مطالب مطرح شده می‌توان چندین راهکار برای مقابله با این گروه‌ها مد نظر قرارداد:

در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی می‌توان به مقابله با این گروه‌های به واسطه ارتباط مردم با حاکمیت و مقابله با این گروه‌ها به شرح زیر پرداخت:

در بعد فرهنگی بایستی به رواج اندیشه‌های فرهنگی مانند شجاعت، عزت، اعتماد و... در منطقه مورد نظر پرداخت و به واسطه همین مفاهیم در بین مردم از نفوذ اندیشه‌های تجزیه طلب در بین مردم منطقه مقابله کرد.

در مبحث اجتماعی با تقویت روابط اجتماعی اقوام و حرارت دادن به این موضوع و آگاهی بخشی به مردم به واسطه بسترهای مختلف مانند صدا و سیما و فضای مجازی و... می‌توان به مقابله با گروه‌های تجزیه طلب پرداخت.

در حوزه اقتصادی با تقویت بازار کار و تامین نیازهای ابتدایی مردم منطقه و همچنین برطرف کردن مشکلات مسکن و تورم و... به سمت کاهش نابرابری‌های اقتصادی رفته و از سوق دادن نیروهای جوان و مستعد به سمت گروه‌های تجزیه طلب مقابله کرد.

۱. قاسمی حیدری، مصطفی، بهناز اژدری، مجید معصومی (۱۳۹۹)، استقلال خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران، فصلنامه مطالعات بین المللی، دوره ۱۷، شماره ۱، تابستان.
۲. ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷)، «شکافهای قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۳. مختارزاده، حسین (۱۳۸۳)، قومیت در ایران، تهران، نشریه سیاسی، فرهنگی اجتماعی، تیرماه، شماره ۷.
۴. کارنامی، محمد مهتری (۱۳۸۸)، آسیب شناسی تأثیر قومیت گرایی بر امنیت ملی، فصلنامه حصون، شماره ۱۹، بهار.
۵. حیدری، اصغر (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و گروه های تجزیه طلب در ایران، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال نهم، شماره ۳۱، بهار.
۶. احدی، افسانه (۱۳۸۷)، ایران و آمریکا: تعامل در عرصه عراق، پژوهشنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۵.
۷. پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۴۰۱)، سیاست خاورمیانه ای آمریکا و طرح تجزیه طلبی ایران، کد خبر: ۱۴۰۱ ۱۸ ۸۱۶۵.
۸. جلال پور، شیوا و حسینی، سید عبدالرضا، (۱۳۹۶)، واکاوی نقش کشورهای خارجی در ایجاد و حمایت جریان های تجزیه طلب عرب خوزستان، سومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. اکبرزاده، فریدون و حسینی، سید عبدالرضا، (۱۳۹۶)، مقدمه ای بر احزاب و گروه های قومی عرب خوزستان، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی.
۱۰. بیژنی، علی، (۱۳۸۷)، کالبد شکافی جنبشها و گروههای قومی در استان خوزستان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان.
۱۱. شادلو، شیده، (۱۳۹۷)، نقش عوامل انتزاعی و عینی در پدیده پان عربیسم در ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تاریخ نامه انقلاب، سال دوم، دفتر سوم و چهارم، پاییز و زمستان.
۱۲. امینی، سید جواد و اصغری هرندی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، تعیین و اولویت بندی عوامل مؤثر در شکل گیری و فعالیت تروریسم تکفیری در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک سال هجدهم، شماره ۹۷ بهار.
۱۳. کریم زاده، علی و علوی، سید فواد و احمدی راد، علی، (۱۳۹۲)، آسیب شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی عرب های ساکن شهرستان اهواز)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر سال هفتم، شماره (۲۰)، بهار.
۱۴. بیات، بهرام و قنبری، محمد، (۱۳۹۸)، محیط شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی) سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار.
۱۵. حیدری، اصغر، (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و گروه های تجزیه طلب در ایران، دوره سوم، سال نهم، شماره ۳۱، بهار.
16. Frang, Kristoffer and Robin Mellstrand (20۲2), Enterprise Gamification of the Employee Development Process at an Infocom Consultancy Company, Master of Science degree in Industrial Engineering and Management at Lund University, Sweden.
17. Majidyar, A. (2017). Iran and Turkey Discuss Ways to Cooperate in Syria and Iraq, at: <https://www.mei.edu/publications>
18. Rajabi, M. (2019). The Position of the Iraqi Kurdistan Region in the Regional Policies of the United States of America in West Asia, Political Research in the Islamic World, 9)2(, 27-52.
19. Ahmadian, G., et al.. (2015). The Arab Spring and the Status of the Iraqi Kurdistan Regional Government in the Middle East, Iranian Journal of International Politics, 7)1(, 1-28.
20. Wahab, B. (2017). Why Israel Is Cheering On Iraqi Kurds, Push for in The Complications of Kurdish Independence. at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/>
21. Wojnarowicz, M. (2017). Israel and the Kurdish Question, <https://www.ceeol.com/search/gray-literature-detail?id=577433>
22. Cunningham, E. (2017). Iran's Leaders Opposed Kurdish Independence Vote in Iraq, Iran's Kurds Celebrated on the Streets. at: <https://www.washingtonpost.com>
23. Abed, S. (2017). The Kurdish Connection: Israel, ISIS and U.S. Efforts to Destabilize Iran, at: <https://sarahabed.com/2017/07/14/the-kurdish-connection-israel-isis-and-u-s-efforts-to-destabilize-iran>.

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی: ۲۹)، تابستان ۱۴۰۳